

## آیا امید بستن به کنفرانس دوم بُن عاقلانه است؟!

به سلسله نشست ها و کنفرانسهای ده ساله بین المللی پیرامون معضله کشور پامال شده ما افغانستان، اینک، باز، به اصطلاح حامیان و دست اندرکاران خارجی امور ملی و میهنی ما، هنگامه دیگری را زیر نام " کنفرانس بن دوم " به راه انداخته اند که البته، صیغه درست آن باید " کنفرانس دوم بن " باشد، نه " کنفرانس بن دوم " .

در ماه دسامبر سال 2001 میلادی و در پایان امارت قرون وسطایی گروه طالبان بود که جهان غرب به رهبری ایالات متحده امریکا، تدویر کنفرانس بُن را رویدست گرفتند و در آن، تنها و تنها از چهار جناح سیاسی - نظامی افغانستان ( گروه قبرس، گروه روم یا طرفداران محمد ظاهر شاه، شورای نظار و گروه پشاور ) دعوت بعمل آوردند تا چهار چوب یک دولت جدید را باساز ملحوظات قومی و زبانی و محلی و تنظیمی تعیین کرده کرسی های دولتی را هم بهمان پایه و مایه میان خودشان تقسیم کنند که کردند و رییس جمهور افغانستان را نیز جورج دبلیو بوش رییس جمهور امریکا بالای اعضای کنفرانس تحمیل نمود. اما چون از یکطرف اختیار کنفرانس بُن در دست بیگانه ها یی بود که اعتنایی به اصل خواست و آرزوی ملی ما نداشتند و از سوی دیگر، اشتراک کننده های آن، جز پیرامون منافع شخصی و قومی و تنظیمی خویش نمی اندیشدند، بهمان اساس بود که پیامد های نشست نه روزه کنفرانس مذکور، غلط و ناصواب از آب در آمد و چنانکه ملاحظه میشود، علی رغم حضور ده ساله به اصطلاح جامعه جهانی و سرازیر شدن میلیارد ها دالر به سوی افغانستان، هیچ دردی از درد های ملت حرمان کشیده ما مداوا نشد و جز یک قشر تازه به دوران رسیده بی خاصیت یا خاصیت باخته برآمده از میان جنگ و جنون سی ساله که از ثروت و مکننت و قدرت سرشار برخوردار شدند، دیگر هیچ بخشی از ملت افغانستان به آرامی و آسایش فکری و مالی و سیاسی نرسیدند. علاوه ازان همه محرومیت های عامه، موج کشتار و نا امنی و چپاول و بی عدالتی و تروریسم و دهشت فزایی و تولید مواد مخدر و باند بازی و بی نظمی در سرزمین مصیبت دیده ما توفان برپا کرد.

هنگامه تدویر کنفرانس دوم بُن که قرار است بتاریخ پنجم ماه دسامبر امسال، به میزبانی دولت جرمنی و ریاست حامد کرزی صورت بگیرد، در حالی به راه می افتد که از یکطرف مردم

افغانستان شاهد خیانت ها، توطئه ها، سازشها، دروغگویی ها، کشتار ها و نا امنی های تکان دهنده ریا کاران روزگارخویش هستند و از سوی دیگر، ممالک بزرگ، پیشرفته و مقتدر جهان که با لاف و گزاف عجیبی وارد افغانستان شده بودند، ظاهراً به اشتباهات، نارسایی ها و نا کامی های شان درقبال دشمنان ملت افغانستان اعتراف میکنند.

ما تردیدی نداریم که معضله افغانستان از چندین سال به اینسو، ابعاد مختلف و پیچیده بی خود گرفته است که نه تنها اهمیت منطقه بی یافته، بلکه منحصیث یک معضله جهانی هم شناخته شده است. پس این معضله باید در چهارچوب نشست ها، فیصله ها و توجهات خاص و صادقانه بین المللی حل و فصل شود. اما، چون، رژیم های حریص و قدرتمند جهان آرزو ندارند معضله ملی مردم افغانستان را بصورت آبرومندانه و به نفع ملت ما حل کنند، بنابراین، هیچ نشست و هیچ کنفرانس بین المللی تا حال، نتیجه دلخواه برای مردم عزیز ما نداشته است.

حال، سوالیکه در بحبوحه چنین هنگامه ها مطرح است اینست که چرا کنفرانس دوم، باز هم در بن پایتخت آلمان دایر میشود؟ چه مسایل دران مطرح خواهد شد؟ چه کسانی از داخل افغانستان، در چنین نشست بین المللی، اشتراک خواهند نمود؟ نتیجه گفت و گوهای کنفرانس چه خواهد بود؟ و یا چه مصیبت های دیگری را برای ملت فقیر، محروم و جفا دیده افغانستان به بار خواهد آورد؟

هرچند آجدای کنفرانس دوم بن، مانند سایر مسایل ملی، هنوز افشا نشده و از انظار و ادهان پنهان نگهداشته شده است، واما، بر بنیاد تجارب گذشته، با استنباط از سیر اوضاع و احوال سیاسی - تبلیغاتی و اطلاعاتی در منطقه، و با درک و شناخت ماهیت منابع خارجی و داخلی میتوان پیشبینی هایی در زمینه داشت، هرچند صدور حکم و پیشبینی دقیق در این موارد دشوار و حتا نا ممکن است:

\* چون جهان غرب با در نظر داشت شکست های ظاهری نظامی، فشار افکار عامه و بخصوص مخارج گزاف مالی شان در جنگ ده ساله افغانستان، در تلاش آند تا پای شان را از تلک خونین جنگ ده ساله بیرون کشند، بنابراین، تصور می رود با تدویر این کنفرانس و در پرتو فیصله های آن، در نظر داشته باشند با ادغام بخشی از گروه تروریستی طالبان در حاکمیت سیاسی افغانستان و حصول تضمین های مورد نظر، بارشان را ببندند و کشور را ترک گویند.

\* اگر چنین توافق و یا فیصله بی، روی هر ملحوظ صورت نپذیرد، شاید سعی نمایند با تحویلدهی سه الی ده ایالت جنوب شرقی افغانستان برای گروه طالبان و ایجاد چهارچوب امارتی برای آنها،

زمینه خروج " آبرومندانۀ " خودشان و مصیبت های جدید ملی برای مردم افغانستان را فراهم سازند.

\* احتمال دیگر، آن خواهد بود که با طرح درگیریهای مرزی و قبایلی میان افغانستان و پاکستان در جهت حفظ و رعایت منافع آن کشور بعنوان حامی و اداره کننده گروه های تروریستی طالبی و غیر طالبی، امتیازات جدید سیاسی برای پاکستان قایل شوند تا بتوانند به زعم خودشان، از فشار های نظامی و حملات انتحاری و انفجاری علیه نیرو های خارجی در افغانستان بکاهند. چنانکه پناه بردن حامد کرزی به دربار شاه سعودی که حامی مادی و معنوی گروه طالبان و پشتیبان جدی مالی و سیاسی حکومت پاکستان شناخته میشود، دلیل برجسته یی باشد در همین راستا.

\* یکی دیگر از احتمال ها در جریان مباحث کنفرانس، شاید زمینه سازی منطقه یی و بین المللی غرض ایجاد پایگاه های نظامی دائمی امریکا و یا باقیماندن بخشی از نیروهای آن کشور بگونه "قانونمند" در خاک افغانستان باشد. زیرا، امریکا و متحدان غربی آن فکر میکنند، طرح این موضوع و فیصله های داخل کنفرانس، ولو بصورت نسبی و حاشیه یی، کشور های همسایه افغانستان را از این ناحیه منفعّل خواهد ساخت و از مخالفت های جدی آنان خواهد کاست.

\* یکی از تاکتیک های ظریف سیاسی امریکا و متحدان آن در این کنفرانس اینست که ریاست کنفرانس را بعهده دولت افغانستان گذاشته اند. این تاکتیک بدین معنا خواهد بود که فیصله هایی که غالباً به نفع کشور های ذیدخل در امور افغانستان صورت میگیرد، بخصوص در بخش امتیاز دهی برای گروه طالبان، بنام خود افغانها به مسوولیت دولت افغانستان و احتمالاً با موافقت نماینده گان "جامعه مدنی" افغانستان تلقی گردد.

\* هرچند تاکنون، سفیر امریکا در کابل اظهار داشته که طالبان در این کنفرانس جایی نخواهند داشت، ولی تصور می رود جانب امریکا سخت در تلاش است تا ماه دسامبر که کنفرانس در بن دایر خواهد شد، اگر نه در گُل، لا اقل در بخشی از گروه مذکور با همکاری عربستان سعودی، انگلستان و پاکستان نفوذ کرده و یک بدنه آنرا در کنفرانس مذکور بکشاند.

\* آنچه با وضاحت قابل پیشبینی است اینست که کشور های غربی، همانند سایر کنفرانسها، یکبار دیگر از " تعهدات دراز مدت" شان در قبال افغانستان سخن خواهند گفت و قطعنامه پُر طنطنه یی را صادر خواهد نمود. و اما آنچه از نظر افغانها قابل گفتنی است اینست که هیچ فیصله یی در کنفرانس دوم بُن صورت نخواهد گرفت که مطابق به نیاز های اساسی ملت افغانستان بوده و باز

کننده گره از مشکل اقتصادی، امنیتی و سیاسی افغانستان باشد. بنابراین، امید بستن به این نشست نیز واهی و گمراه کننده خواهد بود.

به اعتقاد ما، تلاشها و توطئه های ده سال گذشته توسط نیرو های خارجی یا به اصطلاح جامعه جهانی، نه در جهت تأمین رفاه، امنیت، عدالت و دموکراسی واقعی در افغانستان، بلکه در راه ایجاد فضای مساعد غرض تطبیق برنامه های دراز مدت جهانی خود شان، بخصوص در این منطقه جهان بود که اینک، میخواهند برخی از حاصلات آنرا تا پایان امسال، بگونه مزورانه یی بردارند.

در پایان باید گفت، تا زمانیکه مردم افغانستان به همکاری و همدلی یکدیگر و با سهمگیری روشنفکران آگاه و انقلابی، احیای وحدت ملی، بلند بردن سطح آگاهی سیاسی و ایجاد یک تشکل مستقل، مستحکم و کارساز متوسل نشوند و تا موقعی که عناصر جنایتکار، خاین پیشه، جواسیس و سازشکار را طرد نکنند و تا آنگاه که یک دولت ملی و مردمی در کشور ایجاد نشود و بالاخره، تا زمانیکه دستهای ناپاک و غرض آلود بیگانه ها از امور داخلی ما قطع نگردد، مشکل بزرگ ملی ما به زودی و آسانی حل نخواهد شد .

ما از قبل میگوییم که هر نوع دسیسه و توطئه در جهت بر گشتاندن و بقدرت رسا نیدن گروه های متحجر، خون ریز، مزدورمنش، ضد آزادی، ضد علم و ضد دموکراسی در افغانستان محکوم به شکست و رسوایی تاریخی خواهد بود. (پایان)